

بسم الله الرحمن الرحيم

نوسانات در قیمت‌های طلا

(ترجمه)

به جواب احمد سعید

سؤال:

شیخ گرامی، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

امیدوارم این سؤال من در حالی به شما برسد که در کامل‌ترین حالت صحت و عافیت باشید و از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که دست شما را برای عزت بخشیدن به دینش و تطبیق شریعتش بگیرد.

سؤال من این است: «ما در این اواخر شاهد افزایش بزرگ در قیمت طلا بوده‌ایم، به گونه‌ای که در جریان چند سال، قیمت آن چند برابر قیمت اصلی‌اش رسیده است، آیا این بدان معناست که طلا به عنوان یک فلز ثابت و معیار سنجش ارزشها دیگر ثابت نمانده و خود قابل تغییر شده است؟ یا این که این تغییر ناشی از کنترل برخی نظام‌ها و شرایط سیاسی است؟

اگر چنین است، پس دولت اسلامی آینده که به اذن الله سبحانه و تعالی به زودی برپا خواهد شد، چگونه می‌تواند ثبات طلا را حفظ کند و از دستکاری آن توسط دشمنان اسلام جلوگیری نماید؟ الله سبحانه و تعالی به شما برکت دهد! برادر شما احمد سعید، از سرزمین اسراء و معراج فلسطین.

جواب:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

نوسانات در قیمت طلا به این دلیل است که طلا در نظام کنونی به عنوان یک «کالا» از جمله کالاها محسوب می‌شود. بنابراین معاملات سوداگرانه (سفته‌بازی) بر آن تأثیر می‌گذارد و باعث بالا رفتن یا پایین آمدن قیمت آن می‌شود، به ویژه این که دولت‌های بزرگ جهان، مخصوصاً امریکا علاقه دارند که منبع اصلی مبادلات دالر باشد. از همین رو، بدون هیچ نظارت واقعی، مقدار دالره‌ای چاپ شده را افزایش یا کاهش می‌دهند و چون این دولت‌ها با تعدادی از دولت‌ها روابط استعماری دارند، این امر در بسیاری از موارد به ثبات قیمت دالر کمک می‌کند، به گونه‌ای که گویی خود دالر همانند طلا است.

اما اگر وضعیت چنین نباشد، بلکه اساس پول خود طلا می‌بود و هر مقدار پول کاغذی که چاپ می‌شد، باید پشتوانه معینی از طلا می‌داشت، به گونه‌ای که هر زمان بتوان آن پول کاغذی را با طلا تبدیل کرد و این نوع پول به نام «اسناد نماینده طلا» شناخته می‌شود. در آن صورت، تمام پول‌های کاغذی اجباری (یعنی پول‌هایی که نماینده طلا نیستند) ارزشی بیش از همان کاغذی که روی آن چاپ شده ندارند.

برای این که تصویر موضوع روشن‌تر شود، دو نکته را برایت بیان می‌کنم که در فهم این مسئله کمک می‌کند:

اول) من در کتاب خود به نام «بحران‌های اقتصادی؛ واقعیت‌ها و راه‌حل‌های آن از دیدگاه اسلام» این موضوع را بررسی کرده‌ام و در آن چنین آمده است:

«بحران‌های اقتصادی نتیجه واقعیت نظام پولی است:

زمانی که جهان در معاملات پولی خود بر اساس «نظام معیار طلا» حرکت می‌کرد، در مرحله‌ای از شکوفایی اقتصادی و ثبات پولی زندگی می‌نمود، اما هنگامی که این نظام از میان برداشته شد و معاملات بر اساس پول‌های کاغذی اجباری بدون پشتوانه انجام گرفت، وضعیت بدتر شد و بحران‌ها یکی پس از دیگری با سرعت بیشتری پدیدار گردید.

نظام معیار طلا، نرخ تبادله ثابت را تضمین می‌کرد؛ زیرا واحد پول هر دولت یا خود طلا بود یا اسناد کاغذی‌ای که نماینده کامل ارزش طلا بودند و در هر زمان قابل تبدیل به طلا بودند. به همین دلیل، نرخ تبادله میان پول‌های دولت‌های مختلف ثابت بود، چون همگی به یک واحد معین طلا نسبت داده می‌شدند.

برای مثال: دینار در اسلام برابر با 25.4 گرم طلا تعیین شده است. پوند بریتانیایی بر اساس قانون برابر با ۲ گرم طلای خالص تعیین شده بود. فرانک فرانسوی برابر با ۱ گرم طلا بود و به همین ترتیب، نرخ تبادله ثابت باقی می‌ماند.

این نظام توانسته بود ثبات را تحقق بخشد و ارزش واحد پولی را هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی تثبیت کند، دلیل آن این است که شاخص‌های قیمت بر اساس طلا در سال ۱۹۱۰م تقریباً در همان سطحی قرار داشت که در سال ۱۸۹۰م بود، اما پس از لغو این نظام، وقوع بحران‌های اقتصادی به‌گونه‌ای آشکار و قابل توجه افزایش یافت...»

دوم) هم‌چنین، در هنگام برپایی دولت اسلامی به اذن الله سبحانه و تعالی، هیچ نگرانی‌ای نسبت به پول آن دولت وجود نخواهد داشت؛ یعنی ترمی از این نیست که پول آن تحت تأثیر معاملات سوداگرانه سایر دولت‌ها قرار گیرد، حتی اگر آن دولت‌ها از اتخاذ طلا و نقره به‌عنوان پول خودداری کنند و هم‌چنان بر نظام پول کاغذی ادامه دهند و بخواهند بر دولت اسلامی تأثیر بگذارند؛ زیرا سرزمین‌های اسلامی دارای امتیازاتی هستند که آن‌ها را از هرگونه تأثیرگذاری و سفته‌بازی خارجی در امان می‌سازد. در کتاب «نظام اقتصادی» در این باره چنین آمده است:

«...نرخ تبادله میان پول دولت اسلامی و پول سایر دولت‌ها، بر دولت اسلامی تأثیری نمی‌گذارد، به دو دلیل:

دلیل اول) سرزمین‌های اسلامی دارای تمام مواد خام مورد نیاز امت و دولت هستند، بنابراین، به کالاهای دیگران نیاز اساسی یا ضروری ندارند، از همین رو می‌توانند به تولیدات داخلی خود اکتفا کنند و در نتیجه تغییرات نرخ تبادله بر آن‌ها تأثیری نخواهد داشت.

دلیل دوم) سرزمین‌های اسلامی دارای کالاهایی هستند مانند نفت که تمام دولت‌های جهان به آن نیاز دارند. بنابراین، دولت اسلامی می‌تواند فروش این کالاهای را مشروط سازد به این‌که قیمت آن فقط با طلا پرداخت شود.

دولتی که از طریق کالاهای داخلی خود بی‌نیاز باشد و کالاهایی در اختیار داشته باشد که همه جهان به آن نیازمند است، هرگز تغییر نرخ تبادله بر آن تأثیر نمی‌گذارد، بلکه این دولت است که می‌تواند بر بازارهای جهانی پولی تأثیر بگذارد و هیچ‌کس نمی‌تواند بر پول آن تسلط پیدا کند.»

پس برادر گرامی، مطمئن باش که در حزب، مردانی حضور دارند که از هوشیاری، آگاهی و حسن تدبیر برخوردارند و یاری و توفیق الله سبحانه و تعالی همراه آنان است؛ به‌گونه‌ای که برای بازگرداندن نیرنگ دشمنان اسلام به خودشان کافی است و الله سبحانه و تعالی سرپرست صالحان است. امیدوارم این جواب برای توضیح مسئله کافی باشد. الله سبحانه و تعالی داناتر و حکیم‌تر است.

برادرتان عطاء بن خلیل ابوالرشته

۷ رمضان ۱۴۴۷ ه.ق.

۲۴ فبروری ۲۰۲۶ م.

مترجم: مصطفی اسلام